

نگاهی بر اصول و عناصر و ویژگی های روش تدریس های-اسکوپ

مهناز نجفی سرغولی^۱، فاطمه آشنا^۲

۱ کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه، ایران.

۲ کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف «نگاهی بر اصول و عناصر و ویژگی های روش تدریس های-اسکوپ» انجام شده است. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب و مقالات و... بود. در این مقاله ابتدا به بیان تاریخچه رویکرد آموزش پیش دبستانی های-اسکوپ و سپس مبنای زیر بنایی نظری، عناصر، محتوای و مواد آموزشی، اصول کلی و ویژگی های روش های-اسکوپ و نقش مربیان در الگوی های-اسکوپ پرداخته شده است. به طور کلی این مقاله نشان می دهد روش تدریس های-اسکوپ یک برنامه مبتنی بر پروژه است که به طور خاص روی غنی سازی یادگیری فعال و رابطه قوی بین یادگیرنده و محیط یادگیری متمرکز شده است. در واقع رویکرد های-اسکوپ عمدتاً بر مهارت های خودتنظیمی و حل مسئله یادگیرنده متمرکز بوده و محیط آزاد را برای ارتقاء آن فراهم می کند و می توان از این روش تدریس برای آموزش هرچه بهتر مقطع پیش دبستانی استفاده نمود.

واژه های کلیدی: برنامه درسی، روش تدریس، های-اسکوپ، دانش آموزان.

مقدمه

«های» در لغت به معنی بالاترین نقطه توجه یا یا میزان کامیابی فردی و «اسکوپ» به معنی دامنه‌ی تجربه‌ای که می‌توانیم در زمینه‌ی دستیابی به سطح بالای آموزش و توانایی فراهم کنیم. های-اسکوپ به اهداف عالی و مأموریت گسترده از الگوی آموزشی اشاره دارد. هدف های-اسکوپ بهبود وضعیت زندگی کودکان و جوانان با ارتقاء برنامه‌های آموزشی با کیفیت بالا است (اپستاین، ۲۰۰۷). اما رویکرد آموزشی های-اسکوپ، در معنای آموزشی، رویکرد یادگیری فعال و پویایی است که در آن، کودکان شیوه‌ی آموزش و یافته‌های خود را براساس تعامل با دنیای اطراف بنا می‌کنند. هدف این رویکرد آموزشی بهبود وضعیت زندگی کودکان و جوانان با ارتقاء برنامه‌های آموزشی با کیفیت بالا است. برنامه‌های پیش‌دبستانی های-اسکوپ به رشد فکری و اجتماعی، موفقیت تحصیلی در مدرسه، عملکرد اقتصادی و کاهش ارتکاب جرم کودکان خردسال که در مناطق فقیرنشین زندگی می‌کردند در بزرگسالی کمک می‌کند. مطالعه شواینهارت و همکاران تأیید می‌کند که این یافته‌ها نه تنها در کودکان بلکه به دوره بزرگسالان در دوران میانسالی نیز گسترش می‌یابد. نتایج این مطالعه تأیید می‌کند که اثرات بلند آموزش های-اسکوپ مدت اثرات طول عمر دارند (شواینهارت و همکاران، ۲۰۰۵). لذا در این پژوهش نگاهی بر اصول و عناصر و ویژگی های روش تدریس های-اسکوپ صورت می‌گیرد.

تاریخچه رویکرد آموزش پیش‌دبستانی های-اسکوپ

دیوید ویکارت^۱ معتقد بود که نمرات پایین برخی از دانش‌آموزان در آزمون‌های دانشگاهی و هوش به دلیل عدم وجود فرصت‌های آموزشی و آمادگی ناکافی مدرسه است نه عدم داشتن هوش ذاتی در دانش‌آموزان. علاوه بر این، وی معتقد بود که عملکرد ضعیف در مدارس متوسطه با حضور در مدارس ابتدایی در محله‌های فقیر ارتباط دارد. وی در راستای بهبود وضعیت کودکان محروم، رویکرد تربیتی های-اسکوپ در اوایل دهه‌ی شصت میلادی در شهر ایپسیلانتی^۲ واقع در ایالت میشیگان آمریکا شکل گرفت. در آن زمان، کودکان فرودستان جامعه و به ویژه کودکان آمریکایی آفریقایی تبار با دشواری‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کردند. در ایپسیلانتی، تمام آمریکایی‌های آفریقایی تبار، ناچار بودند در یک محله زندگی کنند. همه کودکان آن‌ها به یک دبستان می‌رفتند. در دبستان‌های ویژه سیاه پوستان، دستاوردهای کودکان کم‌تر بود و آزمون‌های استاندارد، بهره هوشی آن‌ها را پایین نشان می‌داد، در حالی که کودکان هم سن آن‌ها در مناطق سفیدپوست‌نشین نمره‌های بالاتری می‌گرفتند. هنگامی که دیوید ویکارت این مسئله را زیر سؤال برد، پاسخی که شنید، این بود: «هر کاری ممکن بود. انجام دادیم ... چه انتظاری دارید؟ توانایی آن‌ها به همان اندازه‌ای است که با آن به دنیا آمده‌اند» (ویکارت ۲۰۰۴). او بی‌آنکه دلسرد شود، به کار با سامانه آموزشگاه ادامه داد و به این نتیجه رسید که نمره‌های پایین کودکان محله‌های محروم ایپسیلانتی به خاطر نبود امکانات است و نه سطح هوش آن‌ها، و اقدام زود هنگام (پیش از دبستان) بهترین راه برای بهبود این وضعیت است (هولت، ۱۳۹۵).

1. high

2. scope

3. Epstein

4. Schweinhart

5. David weikart

6. Ypsilanti

در آن زمان دیوید ویکارت^۷ از دپارتمان روان‌شناسی و تعلیم و تربیت دانشگاه میشیگان این پرسش را مطرح کرد که اگر بخواهیم الگویی را برای رشد کودکان در نظر بگیریم تا براساس آن جریان‌های آموزشی را تنظیم کنیم، از چه الگویی باید بهره برد؟ تمرکز ویکارت در این موضوع او را قادر ساخت تا با شناسایی یک الگوی رشد، برنامه‌های آموزشی خود را سازمان‌دهی کند. به این ترتیب نظریه‌ی پیازه مینا و فلسفه‌ی کاری دکتر ویکارت شد (گراالدین فرنچ^۸؛ ۲۰۱۲).

به این فرایند بود که بتواند در هر دوره توانایی‌های کودک را شناسایی کند، سپس با مشخص کردن انتظاراتی که از هر کودک باید داشت، مهارت‌های کودک را ارتقا دهد. الگوی رشد تحولی پیازه بیش از هر الگویی این سه بخش (توانایی‌ها، انتظارات و مهارت‌ها) را مشخص کرد. به این ترتیب روش ویکارت، که بعدها «های اسکوپ» نامیده شد، براساس چنین نظریه‌ای شکل گرفت و کار خود را پیش برد. ویکارت و گروهش این به گسترش این رویکرد آموزشی را ادامه دادند و سپس بنیاد پژوهشی «های اسکوپ» را در سال ۱۹۷۰ در پاسخ در پاسخ به برنامه‌ی مبارزه با فقر، تأسیس کردند. این بنیاد از آموزش دوره‌ی خردسالی حمایت کرد. مأموریت این بنیاد بررسی و تدارک آموزش با کیفیت برای کودکان خردسالی بود که در فقر زندگی می‌کردند (گراالدین فرنچ، ۲۰۱۲). دولت به عنوان بخشی از برنامه‌ی مبارزه با فقر، در « طرح پیش‌دبستان پری»^۹ که طراحی پژوهشی بود، سرمایه‌گذاری کرد. مسئولیت این پروژه که بر عهده‌ی ویکارت بود، بررسی تأثیر تجارب دوره‌ی پیش‌دستانی را بر پیشرفت‌های بعدی بر عهده گرفت. نتایج مبین آن بود که رفتن به پیش‌دستانی تفاوت در پیشرفت تحصیلی را در پی دارد. این رویکرد هم اکنون در چندین کشور جهان به صورت فعال و رسمی، در حال اجراست، از جمله در کشورهایی مانند: مکزیک، فنلاند، سنگاپور و هلند. همچنین مواد درسی این روش به زبان‌های عربی، چینی، پرتغالی، اسپانیایی، هلندی، فنلاندی و نروژی ترجمه شده است. این روش طوری طراحی گردیده است که تمامی فرهنگ‌ها را در تمامی زمینه‌ها، حتی در مسائل اقتصادی در برمی‌گیرد. (زیگلر و دیوید ویکارت؛ ۱۹۹۳). دیوید ویکارت در دسامبر سال ۲۰۰۳ درگذشت (گراالدین فرنچ، ۲۰۱۲).

مبنای زیر بنایی نظری رویکرد های-اسکوپ

رویکرد آموزشی های-اسکوپ ریشه در نظریه یادگیری ژان پیازه دارد. پیازه (۱۸۹۶-۱۹۸۲) یکی از برجسته‌ترین روانشناسان قرن بیستم و صاحب آثاری چون "زبان و تفکر کودک"، "داوری و منطق کودک"، "مفهوم کودک از جهان"، "داوری اخلاقی کودک"، "اساس هوش کودک"، "شکل‌گیری واقعیت در ذهن کودک" و "بازی و تقلید در کودکی" است. پیازه برای رشد شناختی چهار مرحله (حسی حرکتی، پیش عملیاتی، عملیات عینی و مرحله انتزاعی) قائل بود. نظریه پیازه مینا و فلسفه کاری ویکارت شد و الگوی های-اسکوپ یکی از خاص‌ترین، حرفه‌ای‌ترین و سازمان یافته‌ترین نظام‌های آموزشی است که به نوعی بیانگر دیدگاه‌های ژان پیازه است. برنامه‌ریزی منظم، سیستم ارزشیابی و نظام پیگیری برنامه‌ها، این الگو را نسبت به الگوهای دیگر مبتنی بر دیدگاه پیازه متمایز کرده است (یوسفی، ۱۳۹۵). توجه به الگوی رشد برای دیوید ویکارت پیش از هر چیز پرداختن به این فرایند بود که بتواند در هر دوره توانایی‌های کودک را شناسایی کند، سپس انتظاراتی را که از هر کودک باید داشت مشخص کند تا بتواند مهارت‌های کودک را ارتقاء دهد. الگوی رشد تحولی پیازه بیش از الگوی دیگری این سه بخش (یعنی توانایی‌ها، انتظارات و مهارت‌ها) را مشخص کرد. چون پیازه موفق شده بود که الگوی عمومی و کلی تحولی روانی

7. David weikart

8. Geraldine French

9. Perry Preschool Project

1. Zigler & Weikart

کودک را شناسایی کند. به طوری که با آزمایش‌های مختلف خود نیز نشان داد که این الگو فراگیر و کاملاً عمومی است. بدین ترتیب روش ویکارت که بعدها های-اسکوپ نام گرفت، براساس چنین نظریه‌ای شکل گرفت و کار خود را پیش برد(یوسفی، ۱۳۹۵).

دیدگاه دیوید ویکارت در تربیت اوان کودکی مبتنی بر رویکرد رشد و تحولی نظریه پیازه است. لذا بهترین شکل تربیت در دوران پیش‌دبستان زمانی اتفاق خواهد افتاد که آموزش بر اساس ویژگی‌های رشدی و تحولی کودکان باشد. الگوی های-اسکوپ چون بر مبنای دیدگاه پیازه شکل گرفته است می‌توان نام "کودک فعال" را نیز به آن اطلاق کرد. الگوی های-اسکوپ مبتنی بر یادگیری فعال است و ویژگی‌هایی چون برنامه‌ریزی منظم، سیستم ارزشیابی و نظام پیگیری برنامه‌ها دارد. از نظر نظریه‌پردازان این سیستم آموزشی، یادگیری منطبق با رشد به این معناست که کودک استعدادها علائق خود را دنبال می‌کند، قابلیت‌های خود را تشخیص و پرورش می‌دهد و در نهایت می‌تواند یافته‌هایش را به خاطر بسپارد، تعمیم دهد و میان آن‌ها و یافته‌های قبلی یا آنچه در آینده خواهد آموخت، ارتباط ایجاد کند(یوسفی، ۱۳۹۵).

علاوه بر این اساس الگوی های-اسکوپ بر مبنای فلسفه رشدی جامعی است که بیان می‌دارد یک برنامه آموزشی باید مطابق با وضعیت رشد فردی و سازگار با علائق و تمایل ذاتی کودک در یادگیری باشد. این نظریه رشدی در یادگیری کودکان، طرفداران زیادی در قرن بیستم داشته است که از جمله آنها می‌توان فردریک فروبل، جان دیوئی، ماریا مونته‌سوری، ویگوتسکی و بالاخره روان‌شناس و فیلسوف سوئیسی ژان پیازه و همکارانش نام برد. در حقیقت روش الگویی های-اسکوپ براساس روش گام به گام یا رشدی - شناختی در آموزش است. در این روش، کودکان در آموزش به طور فعال شرکت می‌کنند و نظرات خود را به سلسله مراتب فکر، عمل و منطق تبدیل می‌نمایند و مهارت‌ها و آگاهی‌های خود را بنا می‌نهند. الگوی های-اسکوپ بر این باور استوار است که یادگیری فعال، اساس رشد و تکامل توانایی‌های نهفته انسان است و چنین یادگیری، در شرایطی محقق می‌شود که فرصت‌های یادگیری به شکل گسترده و مناسب فراهم گردد(احمدی و حبیبی، ۱۳۹۰).

دوراک(۲۰۰۹) اهداف زیر را برای روش های-اسکوپ ذکر کرد:

- توسعه توانایی ابتکار و تصمیم‌گیری
- رشد مهارت‌های نظم و انضباط خود یا مهارت‌های خود نظارتی
- رشد توانایی در بیان خود
- رشد توانایی اعمال استدلال در شرایط
- پرورش خلاقیت.

اصول کلی روش های-اسکوپ از نظر دوراک(۲۰۰۹)

اصول کلی: رویکرد وسیع بسیار پیچیده است و مؤلفه مهم بسیاری دارد.

-**یادگیری فعال:** یادگیری فعال مؤلفه اصلی این روش است. یادگیری فعال به این معنی است که کودکان باید برای برنامه‌ریزی فعالیت‌ها، متناسب با علاقه فردی خود، برنامه‌ریزی کنند. این تجربیات کودکان به معلم کمک می‌کند تا روند رشد و تعامل آنها با محیط را در مورد چگونگی درک دانش و ساختن ایده‌ها درک کند(دوراک ۲۰۰۹). در الگوی های-اسکوپ کودکان حق انتخاب دارند و اصولاً کودکان در طی فعالیت‌ها و برنامه‌های خود دوست دارند که انتخاب کنند. موضوع انتخاب

کردن به هر حال مبحث جدیدی نیست. از دوره گشتالت نگر مبحث انتخاب موضوع جدید و مهمی بوده است. نکته‌ای که در الگوی های-اسکوپ جدید و در عین حال جالب است توجه به این مسأله است که کودکان حق دارند انتخاب کنند که از وسیله چگونه استفاده کنند. برای مثال شما به عنوان مربی به کودک یک حلقه نوار چسب می‌دهید. انتظار می‌رود که کودک از این نوار چسب برای چسب زدن استفاده کند. در حالی که ممکن است کودک بخواهد از نوار چسب به عنوان ابزار اندازه‌گیری، یا الگو، یا چکش، یا گلدان و ... استفاده کند در این سیستم کسی اجازه ندارد در انتخاب کودکان دست ببرد. وقتی کودک حتی در استفاده از وسایل و کارکرد و کاربرد آنان حق انتخاب دارد. کودک این امکان را به دست می‌آورد تا بتواند هر آن چه را که فکر می‌کند، اجرا کند. بدین ترتیب فضاهای جدید و امکانات تازه‌ای برای کودک به وجود می‌آید. در عین حال این نوع حق انتخاب فرصتی را فراهم می‌کند که کودک به تناقض‌ها و تضادهایش پی ببرد. نتیجه این نوع انتخاب علاوه بر اینکه به بالندگی کودک یاری می‌رساند، تخریب و مخاصمه کودک را به حداقل می‌رساند. به نوعی دیگر دلیلی برای خشونت، تخریب و یا تهدید کودک به وجود نمی‌آید.

-تعامل کودکان و والدین و مربیان: دومین اصل مهم در این رویکرد تعامل بزرگسالان است، جایی که معلمان نقش کاتالیزور یا تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند و تعامل و درگیری خانواده در امر یادگیری به کودکان کمک می‌کنند تا فرایند یادگیری فعال را یاد بگیرند (دوراک، ۲۰۰۹).

الگوی های-اسکوپ راهکارهای متعددی برای ایجاد برقراری ارتباط دو جانبه خانه و مدرسه دارد. والدین و معلمان های-اسکوپ از طریق تبادلات غیر رسمی روزانه و حمایت‌های برنامه‌ریزی شده رسمی، به طور مداوم در اطلاعات و دانش مربوط به رشد و تکامل کودکان خردسال و مشا هده آنان سهیم می‌شوند و مربیان، ضمن آشنایی با شیوه‌های بهره‌گیری از یادگیری فعال در آموزش، والدین را نیز به مشاهده نحوه یادگیری کودکان خود از طریق تجربه مستقیم با محیط قادر می‌سازند. در الگوی های-اسکوپ به منظور نمایش چگونگی یادگیری کودکان و آنچه که در حال یادگیری آن هستند و نیز میزان رشد آنها در طول برنامه سالانه، مربیان از یادداشت‌های کوتاهی که برای ارزیابی کودکان گردآوری کرده‌اند، استفاده می‌کنند و برای والدین، مثال‌هایی عینی می‌آورند.

مربیان همچنین در ایجاد راهکارهایی برای ادغام فعالیت‌های روزمره در خانه، به والدین کمک می‌کنند. برای مثال آنان از طریق برگزاری کارگاه‌ها، ملاقات‌های خانگی، خبر نامه‌ها و مدل‌سازی در کلاس، بر توانایی آموزشی لوازم معمولی خانگی و نیز اهمیت خواندن برای کودکان به منظور پرورش مهارت‌های سوادآموزی تأکید می‌ورزند. آنها همچنین نشان می‌دهند که چگونه اوقات فراغت خانواده می‌تواند به یادگیری مهارت‌های اجتماعی تبدیل گردد، چگونه می‌توان از شیوه‌های کارایی حل مسئله در آرام ساختن مشاجرات و اختلاف نظرها به‌طور سازنده استفاده کرد و چگونه می‌شود اختیاراتی به کودکان داد و فرصت‌هایی برای ابتکار عمل حتی در طول مراقبت‌های عادی روزانه در اختیار کودکان گذاشت. به طور خلاصه می‌توان گفت الگوی های-اسکوپ به خوبی از کانال‌های ارتباط‌دهنده میان مربیان، اعضای خانواده و کودکان استفاده می‌کند (حبیبی و احمدی قراچه، ۱۳۹۰).

-توجه به محیط یادگیری: محیط یادگیری ابزاری برای انجام فرآیند یادگیری فعال به روش واقعی است. بنابراین محیط مناسب برای یادگیری سومین مؤلفه اصلی برای تنظیمات رویکردی با دامنه بالا است. به همین دلیل مواد تهیه شده و گوشه‌های نمایشگاهی با توجه به نیاز و علاقه متنوع کودکان تهیه شده و به گونه‌ای ترتیب داده شده است که کودک بتواند به راحتی به آن دسترسی پیدا کند (دوراک، ۲۰۰۹).

ویژگی‌های روش‌های اسکوپ

۱- دیدگاه دیوید ویکارت در تربیت اوان کودکی مبتنی بر یک رویکرد رشد و تحولی و نظریه پیاژه است. لذا بهترین شکل تربیت در دوران پیش‌دبستان زمانی اتفاق خواهد افتاد که آموزش بر اساس ویژگی‌های رشدی و تحولی کودکان باشد. طبق این دیدگاه، بین فرایندهای فکری کودکان و بزرگسالان تفاوت‌های مهمی وجود دارد و کودکان به راه‌هایی متفاوت با بزرگسالان می‌اندیشند. بنابراین مربیان و سایر کسانی که با کودکان سروکار دارند باید بکوشند تا خود را در موقعیت کودکان قرار دهند و مسائل و پدیده‌ها را به روش آنها ببینند (سیف، ۱۳۹۲). بسیاری از کودکان در گروه سنی سه تا شش سال در مرحله پیش عملیاتی هستند و هنوز توانایی تفکر منطقی را کسب نکرده‌اند و یا نمی‌توانند به روش انتزاعی درباره دنیا و محیط پیرامون خود فکر کنند. بنابراین هدف اساسی در آموزش و پرورش پیش‌دبستان باید کمک به شکل‌گیری مفاهیم اساسی در کودکان باشد تا آنها را به سوی استدلال منطقی هدایت کند (کول، ۱۳۹۱).

۲- آموزش و پرورش کودکان پیش‌دبستان باید مبتنی بر یادگیری فعال باشد. یادگیری فعال، گونه‌ای از یادگیری است که در آن کودک با استفاده از اشیاء و ارتباط با افراد، ایده‌ها و رویدادها، به درک تازه‌ای می‌رسد (هولت، ۱۳۹۵). کودکان از زمان تولد از طرق ارتباط با دیگر افراد به شکل فعال یاد می‌گیرند. این ارتباط به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های مختلف را یاد بگیرند. کودکان از طریق یادگیری فعال و تجارب مستقیم و دستاورد، به ساخت دانش می‌پردازد که در نهایت باعث می‌شود به درکی از جهان برسند (ویکارت و هومان، ۲۰۰۲). برای داشتن یک یادگیری فعال در دوره پیش از دبستان فراهم کردن پنج عامل یا عنصر ضروری است: (۱) مواد و ابزارهای جالب توجه کودکان؛ ۲- دستکاری انتخاب: به کودکان اجازه انتخاب مواد و انواع چگونگی استفاده از آنها داده شود. (۴) زبان: کودک از آنچه انجام داده یا در حال انجام دادن آن است، حرف بزند، در یادگیری خود بیندیشد، دانش جدید خود را تکمیل و با دیگران رابطه برقرار کند. (۵) پشتیبانی از جانب بزرگسالان (هولت، ۱۳۹۵).

۳- یکی از اصول نظام یادگیری فعال، توجه به حل مسئله است (یوسفی، ۱۳۹۵). به سخن دیگر، بدون ارائه فرصت‌هایی که کودکان بتوانند آزادانه و بدون هراس از خطا کردن و به کمک استدلال و تفکر خود، به حل مسائل اصیل (واقعی) بپردازند، یادگیری فعال، معنا و مفهومی نخواهد داشت (هولت، ۱۳۹۵). وقتی کودکان با مسائل واقعی زندگی روبرو می‌شوند، طبیعی است که با مسائل غیرمنتظره و یا با موانعی روبرو شوند. زندگی طبیعی سرشار از ماجراها و رخ دادهایی است که نمی‌توان آنها را پیش‌بینی کرد و یا حداقل اینکه ناشناخته‌های پیرامون بسیار فراروان است. این ناشناخته‌ها و مسائل برای کودکان به مراتب بیشتر و گاه دشوارتر است. بدین ترتیب کودکان به مواردی به نام ناشناخته‌ها و یا مشکل روبرو می‌شوند. مواردی که لازم است آنها را حل کرد تا به تعادل رسید (یوسفی، ۱۳۹۵).

۴- یکی از ویژگی‌های بارز روش تربیتی دیوید ویکارت، توجه آن به رشد جسمانی، اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان و چگونگی فراهم کردن محیط یادگیری برای حمایت از این ابعاد رشدی است (حبیبی و احمدی، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، این مدل تأکید دارد که رشد کودکان تک بعدی نیست و دارای جنبه‌های متعددی است. تحقق رشد همه‌جانبه کودکان مستلزم آن است که محتوا (همان چیزی که در این مدل به آن تجارب یادگیری گفته می‌شود)، متنوع و متفاوت باشد، به گونه‌ای که زمینه رشد کودکان در تمامی جنبه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی فراهم شود (ویکارت و هومان، ۲۰۰۲).

۵- های اسکوپ از پیشینه مشاهده کودک به عنوان ابزار سنجش کودکان استفاده می‌کند. مشاهده کودکان در تمام طول روز، هفته و ماه موجب می‌شود تا بتوان مسیرهای حرکت و رشد او را بررسی و ارزیابی کرد. بر این اساس مربی هرروز موظف به تهیه گزارش‌های روزانه از جایگاه کودکانی هستند که با آنها کار می‌کنند. سپس این گزارش‌های روزانه، مورد بررسی، تحلیل و

ارزیابی قرار می‌گیرند. لذا ضروری است پیش از آنکه مربیان درگیر تست‌های مختلف و اندازه‌گیری‌های کمی شوند، سعی میکنند هرچه بیشتر با شیوه‌های مشاهده‌ای دقیق‌تر آشنا شوند و دیدن دقیق کودکان را تمرین و تجربه کنند (یوسفی، ۱۳۹۵).

۶- یکی از اصول اساسی در مدل تربیتی‌های اسکوپ، ارتباط متقابل خانه و مرکز پیش‌دبستانی است. بر این اساس ضروری است مرکز پیش‌دبستانی، به اشکال متعدد، از جمله برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌ها آنها را در امر تربیت کودک درگیر سازد (حبیبی و احمدی قراجه، ۱۳۹۰).

فعالیت‌های روزانه معلمان و کودکان در محیط پیش‌دبستانی‌های-اسکوپ

هر فعالیتی که کودک انجام می‌دهد ضروری است که به این سه بخش (برنامه‌ریزی کن، انجام بده، باز بینی کن)، بپردازد. مربی کودکان را ترغیب می‌کند که حتماً این سه مرحله را در انجام هر فعالیت رعایت کنند.

۱- **برنامه‌ریزی انجام کار:** برنامه‌ریزی هسته اصلی کارهای روزمره کودکان در کلاس‌های-اسکوپ است. کودکان آزاد هستند تا فعالیت‌های مورد نظر خود را با توجه به توانایی‌های خود برنامه‌ریزی کنند. کودکان از طریق این برنامه‌ریزی، آنها تفکر و استدلال خود را توسعه می‌دهند (شواینه‌هارت و ویکارف، ۱۹۹۷).

کودکان با ورود به کودکستان برنامه‌ی روزانه خود را تنظیم می‌کنند. هر کودک در ابتدای هر روز مشخص می‌کند که دوست دارد طی روز چه فعالیت‌هایی را انجام بدهد برای مثال، کودک می‌گوید دوست دارد نقاشی کند، بازی کند، قصه بخواند، ریاضی کار کند، میان وعده‌اش را بخورد و کارهایی از این دست مربی در این مسیر کارتهایی را جدا و فعالیت برنامه‌ی روزانه را مشخص می‌کند اگر کودکی به راستی فقط یک فعالیت را انتخاب کند و تصمیم بگیرد از ابتدا تا انتها یک فعالیت انجام بدهد چنین فرصتی به او داده می‌شود. ممکن است کودک تمام فعالیت‌های ساده را در ابتدای ساعت کاری خود بگذارد و کارهای سخت، خسته کننده یا سنگین را در انتهای برنامه کاری‌اش جا دهد حتی در این حالت نیز به کودک اجازه داده می‌شود تا انتخاب‌های خود را داشته باشد. پس از برنامه‌ریزی، کودکان شروع به کاوش و تعامل با محیط خود می‌کنند و آنچه را که قبلاً برنامه‌ریزی کرده بودند کشف می‌کنند. در پایان روز، آنها در یک جلسه بررسی، تجربیات و اکتشافات خود را با معلمان، والدین و سایر کودکان به اشتراک می‌گذارند. در کل در روند آموزش، معلمان به عنوان حامی عمل می‌کنند (گروتول^{۱۴} و بارتون^{۱۵}، ۲۰۰۸). و معلمان به عنوان ناظران، شنوندگان و شرکت‌کنندگان عمل می‌کنند (هولت، ۲۰۱۰). اصل انتخاب در تمام ساعت‌های کار وجود دارد، اما این انتخاب به شکل رها و باید بدون برنامه نیست بلکه کودک فعالیت‌های انتخابی خود را برنامه‌ریزی می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۵).

۲- **زمان کار:** "انجام بده" بخش دوم این مسیر است. مربی به کودک می‌گوید حالا که مطمئن هستی و خودت تمام این فعالیت‌ها را انتخاب کرده‌ای، سپس شروع کن! سپس در مراحل مختلف کودک تشویق و ترغیب می‌شود که برنامه خود را

1 . Planning time	1
1 . Schweinhart	2
1 . Weikarf	3
1 . Grotewel	4
1 . Burton	5
1 . Work time	6

دنبال کند. مربی در هر ساعت از روز فقط کودک تشویق را متوجه برنامه خود می‌کند. مربی در این بخش راهنما نیست، بلکه فقط برنامه کاری کودک را یادآوری می‌کند و او را آگاه می‌کند که در کدام بخش از برنامه خود است و سپس می‌خواهد چه کار کند. مربی در هر عمل و فعالیتی که کودک انجام می‌دهد، همراه است. (یوسفی، ۱۳۹۵).

۳- **زمان بازیابی:** بازیابی آخرین بخش از این مسیر است. در این بخش مربی از کودک می‌خواهد برنامه‌ای را که خود از ابتدا تنظیم کرده بود، بررسی کند. مربی کودک را یاری می‌دهد که بتواند برنامه‌ریزی خود را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد و مسایل و مشکلات خود را ببیند. بازتاب فعالیت‌ها، تجربه‌ها آزمایش‌ها، ارتباط‌ها و... همگی در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر کودک به طور خاص فرصت پیدا می‌کند که در کنار مربی خود برنامه‌های انجام شده و یا انجام نشده خود را مورد تحلیل قرار دهد (یوسفی، ۱۳۹۵).

۳- **ارزشیابی:** های-اسکوپ از مشاهده - نه آزمایش - برای ارزیابی کودک و ارزیابی برنامه حمایت می‌کند و معتقد است که مشاهده، معتبرترین و موفق‌ترین روش برای مستند کردن رشد و تکامل مستمر کودکان خردسال است. ارزشیابی در الگوی های-اسکوپ شامل طیف وسیعی از تکالیف است که در آن مربیان و بزرگسالان، کودکان را به صورت دقیق مورد مشاهده قرار می‌دهند و به بررسی علایق آنها می‌پردازند سپس این مشاهدات را مورد تحلیل قرار می‌گیرند. با استخراج و تشخیص تجارب کلیدی، امکان برنامه‌ریزی روزانه فراهم می‌شود. همچنین این الگو، کارکنان را ملزم به ارزیابی برنامه خود (حداقل یک بار در سال) و نیز استفاده از راه کارهای متنوع برای ارتقای یادگیری و شکوفایی براساس مشاهدات و ارزیابی مستمر از هر کودک می‌نماید. مؤسسه یک ابزار ارزشیابی مشاهده‌ای جامع (High-Scope, Cor) برای ارزیابی کودک به وجود آورده است. اجرای روش (COR) در ارزیابی کودکان بر پایه مشاهده مداوم کودک در شرایط عادی زندگی روزمره در محیط طبیعی‌اش استوار است. مدرسان، مربیان و متخصصین های-اسکوپ از ابزار ارزشیابی کیفیت برنامه های-اسکوپ (PQA) نیز استفاده می‌کنند. این ارزیابی، نگاهی جامع به تمام حیطه‌های عملیات برنامه دارد که شامل کلاس، خدمات خانواده، کارکنان و روش‌های مدیریت می‌شود و از نتایج آن می‌توان برای شناسایی نیازهای آموزشی کارکنان، مستند کردن نقاط قوت برنامه و حیطه‌هایی برای اصلاح و نشان دادن چگونگی حمایت برنامه‌هایی با کیفیت بالا در رشد و تکامل کودکان استفاده کرد (یوسفی، ۱۳۹۵).

عناصر اصلی برنامه درسی های-اسکوپ از نظر احمدی و حبیبی (۱۳۹۰)

عناصر اصلی برنامه درسی های-اسکوپ از نظر احمدی و حبیبی (۱۳۹۰) شامل موارد ذیل است:

اهداف، محتوا و سازماندهی آن، روش، محیط یادگیری، کارکنان و ارزشیابی

جدول ۱-۲- عناصر اصلی برنامه درسی های-اسکوپ (اقتباس از احمدی و حبیبی، ۱۳۹۰)

عناصر اصلی برنامه درسی های-اسکوپ	
اهداف	- حمایت از رشد کودکان، پرورش اعتمادبه‌نفس و مهارت حل مسئله، ایجاد استقلال فکری و انضباط فردی و یافتن اهداف شخصی و نگرش توانستن و انجام دادن، به دست آوردن شایستگی‌های اجتماعی و برقراری روابط مناسب با دیگران در زندگی
محتوا و سازماندهی آن	- هنرهای خلاق، زبان و ادبیات، رشد مهارت‌های جسمی و حرکتی و مهارت‌های زمانی و مکانی و رشد اجتماعی و عاطفی برای سال‌های پیش از دبستان تعریف شده است که این

<p>تجربیات در قالب ۱۰ طبقه، گروه‌بندی می‌شوند. این گروه‌ها عبارت‌اند از: سوادآموزی و زبان، بازنمود خلاق، ابتکار عمل و روابط اجتماعی، حرکت، موسیقی، اعداد، فضا، زمان، طبقه‌بندی و مجموعه‌سازی</p>	
<p>اساس روش‌های اسکوپ، یادگیری فعال است و فرایندهای سازنده ارتباط متقابل که از طریق آنها ذهن پرورش می‌یابد، اجزای اساسی در روش آموزش هستند. همچنین از آنجا که کودکان نسبت به تجربه حسی مستقیم بهترین واکنش را نشان می‌دهند، استفاده درست از موضوعات و فعالیت جسمی - حرکتی نقش تعیین‌کننده در کمک به آنان برای شکل‌گیری مفاهیم، ایده‌پردازی و ایجاد نمایش‌های نمادین ایفا می‌کند. از آنجا که روش اسکوپ، مهارت‌های یادگیری مبتنی بر کودک - آگاهی را تشویق می‌کند، کودکان را قادر به تعامل مشترک و سازنده با هم‌کلاسی‌ها و مربیان می‌گرداند و آنان نتایج کوشش‌های خود را با مربیان و سایر کودکان از طریق گفت‌وگو و نقاشی و یا اشکال دیگر از طریق برقراری ارتباط صحیح می‌شود. عنصر اساسی در هر روز از کلاس‌های اسکوپ شامل توالی طراحی، اجرا و بازنگری است که هر کودک خود عهده‌دار آن است. سه جزء سازنده اصلی در کار روزانه کلاسی عبارتند از: فعالیت‌های گروهی بزرگ یا گردهم‌آیی، کارگاه‌های گروهی کوچک و کار مستقل در مراکز فعالیت در طول فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و بازنگری. زمان‌های گروهی بزرگ و کوچک به معرفی مطالب جدید یا معرفی مفاهیم و مهارت‌های مناسب رشدی در حیطه‌های آکادمیک خاص اختصاص دارند.</p>	روش
<p>این محیط کودک را به تجربه و کندوکاو تشویق می‌کند و نسبت به چند فرهنگی بودن جوامع کودکان با عنوان بازتابی از تنوع انسانی حساس است. فضایی برای گردهم‌آیی‌های گروهی بزرگ و کوچک کودکان وجود دارد. همچنین کلاس به مراکز فعالیت تعیین شده‌ای تقسیم شده است که کودکان را قادر می‌سازد روی پروژه‌های انتخابی خود کار کنند و مستقل باشند. این مراکز با انواعی از لوازم و تجهیزات و وسایل کاربردی پر شده‌اند.</p>	محیط یادگیری
<p>مربیان کودکان را تشویق به انتخاب یک روش فعال و حل مسئله‌ای، در یادگیری می‌کنند و با پرسش‌های مناسب مرتبط با اهداف برنامه، به کودکان در فکر کردن و تکمیل مهارت‌های خاص کمک می‌نمایند. روش اسکوپ دوره‌های خاص برای آموزش مربیان خود دارد که ویژگی‌های آن عبارتند از: شرکت‌کنندگان حضور فعال دارند، دارای کارگاه‌های تک جلسه‌ای با موضوعات مطرح روز در زمینه یادگیری هستند. همچنین فرصت‌هایی برای شرکت‌کنندگان وجود دارد تا آموخته‌های خود را منعکس کنند و از تجربیات یکدیگر استفاده کنند.</p>	کارکنان
<p>این الگو از مشاهده به جای آزمایش برای ارزشیابی حمایت می‌کند.</p>	ارزشیابی

نقش مربیان در الگوی های-اسکوپ

با توجه به یادگیری فعال به عنوان یک فرآیند ایجاد آگاهی، برنامه آموزش های-اسکوپ مجموعه‌ای از اهداف یادگیری را به عنوان مهارت‌های اصلی در فضاهایی چون زبان، ریاضیات، علوم، حرکت (رشد جسمی و حرکتی) و موسیقی ارائه می‌دهد و پوستار رشدی که در این مهارت اصلی به تصویر کشیده شده است، مربیان را برای یافتن راهکارهای مناسب برای تدوین برنامه‌های روزانه و ارائه موضوعات آموزشی متوالی و ارزیابی و پیگیری پیشرفت فردی و گروهی کودکان آماده می‌کند. همچنین در الگوی های-اسکوپ مربیان با ایجاد چالش، حمایت و گسترش کشفیات و کندوکاوهای کودکان، تشویق به انتخاب یک روش فعال در حل مسئله به یادگیری عمیق‌تر کودکان کمک می‌کنند و با طرح پرسش‌های مناسب و مرتبط با اهداف برنامه آموزشی، کودکان را در انتخاب فعالیت‌ها، تعیین هدف، فکر کردن و تکمیل مهارت‌های یادگیری خاص یاری می‌نمایند (مؤسسه تحقیقات آموزشی، های-اسکوپ، ۲۰۰۵).

در الگوی های-اسکوپ مربیان و به طور کلی بزرگسالان و کودکان، مشاجرات میان فردی را با یکدیگر حل و فصل می‌نمایند. و بزرگسالان ضمن توجه به احساسات کودکان، از آنان اطلاعاتی درباره آنچه باعث مشاجره شده است، کسب می‌کنند و مشکل را مجدداً بازگو می‌نمایند، از کودکان راه‌حل می‌خواهند و از تصمیمات کودکان حمایت می‌کنند. این روش حل مشکل در مشاجره نه تنها موجب ایجاد مهارت‌های میان فردی در کودکان می‌شود بلکه به رشد مهارت‌های تحلیلی و استدلالی آنان نیز کمک می‌نماید. این مهارت‌ها پایه و اساس حقیقی است که زیر بنای توانایی کودکان را برای موفقیت در مدرسه و بعدها در زندگی تشکیل می‌دهد (آدامز جی ال^۱ و انگلمن^۲؛ ۱۹۹۶؛ به نقل از حبیبی و احمدی قراچه، ۱۳۹۰).

مشارکت والدین در الگوی های-اسکوپ

الگوی های-اسکوپ راهکارهای متعددی برای ایجاد برقراری ارتباط دو جانبه خانه و مدرسه دارد. والدین و معلمان های-اسکوپ از طریق تبادلات غیر رسمی روزانه و حمایت‌های برنامه‌ریزی شده رسمی، به طور مداوم در اطلاعات و دانش مربوط به رشد و تکامل کودکان خردسال و مشا هده آنان سهیم می‌شوند و مربیان، ضمن آشنایی با شیوه‌های بهره‌گیری از یادگیری فعال در آموزش، والدین را نیز به مشاهده نحوه یادگیری کودکان خود از طریق تجربه مستقیم با محیط قادر می‌سازند. در الگوی های-اسکوپ به منظور نمایش چگونگی یادگیری کودکان و آنچه که در حال یادگیری آن هستند و نیز میزان رشد آنها در طول برنامه سالانه، مربیان از یادداشت‌های کوتاهی که برای ارزیابی کودکان گردآوری کرده‌اند، استفاده می‌کنند و برای والدین، مثال‌هایی عینی می‌آورند (حبیبی و احمدی قراچه، ۱۳۹۰).

مربیان همچنین در ایجاد راهکارهایی برای ادغام فعالیت‌های روزمره در خانه، به والدین کمک می‌کنند. برای مثال آنان از طریق برگزاری کارگاه‌ها، ملاقات‌های خانگی، خبر نامه‌ها و مدل سازی در کلاس، بر توانایی آموزشی لوازم معمولی خانگی و نیز اهمیت خواندن برای کودکان به منظور پرورش مهارت‌های سوادآموزی تأکید می‌ورزند. آنها همچنین نشان می‌دهند که چگونه اوقات فراغت خانواده می‌تواند به یادگیری مهارت‌های اجتماعی تبدیل گردد، چگونه می‌توان از شیوه‌های کارایی حل مسئله در آرام ساختن مشاجرات و اختلاف‌نظرها به طور سازنده استفاده کرد و چگونه می‌شود اختیاراتی به کودکان داد و فرصت‌هایی

¹ Adams J.L.

¹ . Engelman

برای ابتکار عمل حتی در طول مراقبت‌های عادی روزانه در اختیار کودکان گذاشت. به طور خلاصه می‌توان گفت: الگوی های- اسکوپ به خوبی از کانال‌های ارتباط‌دهنده میان مربیان، اعضای خانواده و کودکان استفاده می‌کند (حبیبی و احمدی قراچه، ۱۳۹۰).

محتوا و مواد آموزشی در کلاس‌های های-اسکوپ

مراکز آموزشی های-اسکوپ روی ۱۰ حوزه آموزشی با کودکان کار می‌کنند این حوزه‌های آموزشی عبارتند از:

۱- **نمایش خلاق:** بررسی و شناخت موضوعات از طریق دیدن، شنیدن، لمس کردن و مزه کردن. ارتباط دادن مدل‌ها، عکس‌ها و تصاویر با امور و چیزهای واقعی. ایفای نقش در بازی. ساخت مدل و نمونه با استفاده از مواد مختلف، نقاشی کشیدن و رنگ‌آمیزی کردن (اپستین و هومن، ۲۰۱۲).

۲- **حرکت:** در فعالیتهای پیش‌دبستانی های-اسکوپ توجه به حرکت روزبه‌روز از اعتبار بیشتری برخوردار می‌شود. حرکت در این الگو فقط به معنای رشد حرکتی و یا جسمی نیست. بلکه روش سازنده‌ای برای شکل‌دهی هماهنگ بین جسم، شناخت، فکر و زبان است. حرکت سر آغاز پرورش ذهن است و کمک می‌کند تا از طریق حرکت اندام‌های مختلف بدن و هماهنگی و تعادل، بخش‌های مختلف مغز فعال شود. نکته مهم الگوی آموزشی، تلفیق حرکت با کلاس‌هایی چون ریاضی، علوم، سوادآموزی است. یعنی می‌توان در تمام فعالیتهای از این برنامه بهره برد و استفاده کرد (اپستین و هومن، ۲۰۱۲).

۳- **زبان‌آموزی و سوادآموزی:** در سوادآموزی خواندن و نوشتن دو رکن بسیار مهم محسوب می‌شود و از آن جا که این دو رکن در زندگی از جایگاه مهمی برخوردار است، به شکل مشخص‌تری با کودکان کار می‌شود. ماجرای سوادآموزی فرآیندی است که از نوزادی شروع می‌شود و تمرین‌های بسیار ساده‌ای با کودکان انجام می‌شود تا آنان بتوانند از طریق نشانه‌شناسی و کدبندی به تصویر خوانی برسند (اپستین و هومن، ۲۰۱۲).

۴- **ابتکار عمل و روابط اجتماعی:** تصمیم‌گیری و بیان تصمیمات و برنامه‌ها، حل مسائل در بازی، توجه کردن به نیازهای شخصی، بیان احساسات به وسیله کلمات، ابراز احساسات، علائق و نیازها به دیگران و آگاه شدن از نیازهای دیگران، انجام بازی‌های خلاق و تجربه برانگیز، پرداختن به موضوعات اجتماعی.

۵- **موسیقی:** حرکت با موسیقی، تشخیص و کشف صداها، تشخیص نوع صداها، تشخیص ملودی، شناسایی آهنگ‌ها، بازی کردن با هجاهای موسیقی (اپستین و هومن، ۲۰۱۲).

۶- **مجموعه سازی:** مشخص کردن چیزها براساس بلندی، کوتاهی، بزرگی و کوچکی، ردیف کردن چیزهای مختلف براساس الگوی مشخص و تعریف شده (بزرگ، بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین). توجه و تشخیص درستی یا نادرستی مطالب (فنجان کوتاه‌تر از پارچ است).

۷- **فضا:** پر یا خالی کردن، چیدن اشیاء در کنار هم به طوری که با هم هماهنگ باشند. به هم ریختن اشکال و قالب‌ها و مرتب کردن آن‌ها براساس موضوعات. مشاهده کردن مردم، فضاها و اشیاء از دیدگاه‌های مختلف و ویژه، شرح دادن

2 . Creative	0
2 Epstein	1
2 . hohmann	2
2 . Movement	3
2 . Language & literacy	4
2 . Initiative and social relation	5
2 . Music	6
2 . Seriation	7

وضیعت اداره‌ها، فضاهای بازی، ساختمان‌ها و محل زندگی خود. استنباط و تغییر روابط ویژه در نقاشی‌ها، تصاویر و عکس‌ها، همچنین فرصت‌های بسیاری برای تعامل در گروه‌های کوچک و بزرگ (هم تعاملات فرد به فرد کودکان با یکدیگر و هم تعامل کودکان با بزرگسالان) وجود دارد (ایران‌نژاد، ۱۳۹۳).

۸- **طبقه‌بندی^۱ بیان** و تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌های بین چیزها، تعریف و تمایز شکل‌ها، بازی کردن براساس این تفاوت‌ها و سازگار شدن با آن‌ها، استفاده از وسایل به شیوه‌های گوناگون، قرار دادن اشیاء در کنار هم و تشکیل یک واحد، تعیین شکل و دسته‌بندی کردن موضوعات، مشاهده کردن مردم، مکان‌ها و اشیای مختلف از جهات گوناگون، ساختن فضاهای بازی و مجزا ساختن آن‌ها، بررسی عکس‌ها، تصاویر و کشیدن نقاشی و بررسی روابط فضایی آنها.

۹- **عدد^۲: بیان عدد** برای اشیاء و تعیین این که کدام عدد بیشتر یا کمتر است. مرتب کردن اشیاء به صورت تناظر یک به یک (احمدی و حبیبی، ۱۳۹۰).

۱۰- **زمان^۳: تشخیص شروع و پایان فعالیت‌ها، تعیین زمان شروع فعالیت، تعیین زمان رسیدن به تجربه، تعریف و به یادسپاری نتایج حاصل از این وقایع، نگه داشتن هر چه بیشتر موارد مختلف در ذهن در زمان مشخص (احمدی و حبیبی، ۱۳۹۰).**

2 . Space	8
2 . Classification	9
3 . Number	0
3 . Time	1

منابع و مأخذ

۱. احمدی، پروین. (۱۳۹۷). تأثیر یادگیری مشارکتی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس جغرافیا، فصلنامه‌ی علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی یک، تابستان، ۲۲.
۲. برزین، شیرین. (۱۳۹۱). روش آموزشی‌های-اسکوپ با تأکید بر اندیشه‌های پایاژه. رشد آموزش پیش‌دبستانی، دوره سوم، شماره ۳.
۳. حبیبی، پریرا و احمدی قراچه، علی محمد. (۱۳۹۰). الگوهای جهانی آموزش پیش از دبستان. تهران: سروش.
۴. عبدالملکی، صابر و بیاتی، مهدی. (۱۳۹۷). واکاوی اصول و عوامل یادگیری فعال رویکرد آموزشی‌های-اسکوپ در دوره پیش از دبستان، اولین کنگره بین‌المللی و پنجمین کنگره ملی آموزش و سلامت کودکان پیش از دبستان. تهران: گروه آموزشی پیش از دبستان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
۵. کول، ونیتا. (۱۳۹۱). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش‌دبستان. ترجمه: فرخنده مفیدی. تهران: سمت.
۶. هولت، نیکی. (۱۳۹۵). به کارگیری رویکرد‌های-اسکوپ در سال‌های پیش‌دبستان. ترجمه شیما الهی. تهران: مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان (سال انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۷)
7. Durak, G.(2009). Algoritma Konusunda Geliştirilen “Programlama Mantığı Öğretici-P.M.Ö” Yazılımının Öğrenci Başarısına Etkisi. Journal of Chemical Information and Modeling. Balıkesir University.
8. Durak, S.(2009). Taking a High Scope Approach in a Turkish Pre School: Assessing the Physical Environment and the Promotion of positive Adult Child Interaction. The international Journal of Learning , Vol 16
9. Epstein, A.(2007) Essentials of Active Learning in Preschool. Ypsilanti, MI: High/Scope Press.
10. Geraldine, F.(2013). Early Literacy and Numeracy Matters. Technological University Dublin, geraldine.french@tudublin.ie From Journal of early childhood studies, OMEP, Vol. 7April 2013.
11. Grotewell, PG. & Burton, YR.(eds.) (2008). Early childhood education: Issues and developments. New York: Nova Publishers.
12. Shivakumara, K., Dhiksha, J., & Nagaraj, O.(2016). Efficacy of Montessori and traditional method of education on self-concept development of children. International Journal of Educational Policy Research and Review, April, Vol.3(2), 25-29.
13. Ziegler, M. & Styfco, S. J.(2004) Computable operators on regular sets First published: 18 August 2004 <https://doi.org/10.1002/malq.200310107>.

A look at the principles, elements and characteristics of the SCOPE teaching method

Abstract

This research was carried out with the aim of "looking at the principles, elements and characteristics of the SCOPE teaching method". The research method was a library using books and articles, etc. In this article, firstly, the history of Hi-Scope preschool education approach and then the theoretical infrastructure, elements, content and educational materials, general principles and features of Hi-Scope methods and the role of educators in Hi-Scope models have been discussed. Overall, this paper shows that Hi-Scope teaching method is a project-based program that is specifically focused on enriching active learning and a strong relationship between the learner and the learning environment. In fact, Hi-Scope approach is mainly focused on the learner's self-regulation and problem-solving skills and provides a free environment for its improvement, and this teaching method can be used for the best education of preschoolers.

Keywords: curriculum, teaching method, high-scope, students.
